

التهاب جامعه، خطری فراتر از تهدید اقتصادی



هانی رستگاران

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی

«مکانیسم ماشه» فعال شد! بار دیگر این ادبیات به صدر اخبار و تحلیل‌های سیاسی و اقتصادی بازگشته است. بسیاری از رسانه‌ها، چه داخلی و چه خارجی، در تلاش‌اند تا بابر جسته‌سازی این عبارات حقوقی، نوعی فضای تهدید و اضطراب در جامعه ایران ایجاد کنند. در ظاهر، مکانیسم ماشه سازوکاری حقوقی برای بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی است؛ اما در باطن، این موضوع بیش از آنکه بار اقتصادی تازه‌ای بر دوش کشور بگذارد، به یک ابزار فشار روانی علیه مردم و التهاب جامعه بدل شده است. باید ادعای کرد که اقتصاد ایران در سال‌های گذشته عملاً تجربه تحریم‌های گسترده و همه‌جانبه را پشت سر گذاشته است. به‌جز برخی حوزه‌های خاص، آنچه تحت عنوان «بازگشت تحریم‌ها» معرفی می‌شود، در واقع تداوم همان وضعیتی است که اکنون نیز جریان دارد. اما آنچه این روزها بیش از هر چیز جامعه را درگیر می‌کند، انتظار برای وقوع یک رویداد مبهم است؛ انتظاری که همچون ابر تیره‌ای بر آسمان روانی مردم سایه انداخته است. در ادبیات اقتصادی، پدیده‌ای به نام «انتظارات» نقشی تعیین‌کننده دارد. بازار سرمایه‌گذاری، کسب‌وکارهای خرد و کلان، و حتی تصمیم‌های خانوارها در زمینه خرید و فروش یا پس‌انداز، به‌شدت از فضای ذهنی و روانی جامعه اثر می‌پذیرد. وقتی رسانه‌ها روزانه خبر از «بازگشت تحریم‌ها» و «انزواي بين المللی» می‌دهند، حتی پیش از آنکه اتفاقی رخ دهد، چرخه اقتصاد در حالت تعلیق فرو می‌رود. سرمایه‌گذار صبر می‌کند، تولیدکننده ریسک نمی‌کند، و جوانی که به آینده امیدوار است، به فکر مهاجرت می‌افتد. به این ترتیب، مکانیسم ماشه بیش از آنکه به ابزار فشار اقتصادی بدل شود، به سلاخی روانی برای ایجاد رکود، بی‌اعتمادی و بی‌تصمیمی تبدیل می‌شود. این همان نقطه‌ای است که رسانه‌های خارجی و برخی جریان‌های سیاسی به‌خوبی آن را درک کرده‌اند: بهره‌برداری از واژه‌ای حقوقی برای دمیدن در فضای ترس و تردید.

اما پرسش اساسی اینجااست: آیا همه از این وضعیت متضرر می‌شوند؟ پاسخ الزاماً منفی نیست. واقعیت این است که در چنین فضای مهملی، عده‌ای که به منابع رانتی یا بازارهای غیررسمی دسترسی دارند، می‌توانند بیشترین سود را ببرند. افزایش ناگهانی

نرخ ارز، سکه، یا حتی رکود در بازار رسمی، دروازه‌ای به سودهای کلان برای گروه‌های محدود باز می‌کند. بنابراین، در شرایطی که عموم جامعه بار روانی و فشار اقتصادی ناشی از عدم قطعیت را تحمل می‌کنند، برخی جریان‌ها شاید بی‌میل نباشند این وضعیت تداوم یابد. این دوگانه «اکثریتی که نگران آینده‌اند» و «اقلیتی که از ابهام سود می‌برند»، خود یکی از تبعات خطرناک فضای روانی ناشی از مکانیسم ماشه است. در چنین فضایی، بی‌اعتمادی عمومی نفتن‌ها نسبت به آینده کشور بلکه نسبت به ساختار تصمیم‌گیری داخلی افزایش می‌یابد. نتیجه، چیزی جز گسترش شکاف اجتماعی و تقویت چرخه ناامیدی نخواهد بود. باید توجه داشت که تهدیدهای خارجی، هرچقدر هم واقعی باشند، تنها زمانی می‌توانند به بحران داخلی بدل شوند که با بستر روانی و اجتماعی آماده همراه باشند. جامعه‌ای که اعتماد به آینده دارد، حتی در برابر فشارهای سنگین اقتصادی مقاومت می‌کند. اما جامعه‌ای که درگیر بی‌اطمینانی و ترس از فردا است، با کوچک‌ترین موج روانی دچار اضطراب می‌شود. از این منظر، مکانیسم ماشه بیش از آنکه به مثابه یک ابزار تحریمی عمل کند، به ابزاری برای تضعیف سرمایه اجتماعی در ایران بدل شده است. راهکار چیست؟ نخست، باید سطح شفافیت و صداقت در گفت‌وگو با جامعه افزایش یابد. وقتی مردم بدانند آنچه امروز به‌عنوان «بازگشت تحریم‌ها» معرفی می‌شود، عملاً تفاوت چندانی با وضعیت فعلی ندارد، بخشی از نگرانی‌ها فروکش می‌کند. دوم، باید رسانه‌های داخلی نقش فعال‌تری در مدیریت فضای روانی ایفا کنند. اگر میدان روایت صرفاً به دست رسانه‌های خارجی سپرده شود، طبیعی است که تصویر «فاجعه قریب‌الوقوع» در ذهن جامعه حک می‌شود. سوم، سیاست‌گذاران باید نشان دهند که برنامه‌های عملی برای حفظ ثبات اقتصادی دارند؛ برنامه‌هایی که از جنس وعده‌های کلی نباشند، بلکه در زندگی روزمره مردم لمس شوند.

در نهایت، مکانیسم ماشه بیش از آنکه تصمیم نهایی شورای امنیت یا اروپا باشد، اکنون به «مکانیسم روانی» بدل شده است؛ مکانیزمی که می‌تواند با ایجاد تعلیق، ترس و بی‌اعتمادی، آینده‌سازی جامعه را متوقف کند. پرسش بنیادین اینجااست: آیا تداوم این فضای انتظار و اضطراب، مطلوب است؟ تا زمانی که این پرسش بی‌پاسخ بماند، خطر آن وجود دارد که جامعه ایران نه از طریق تحریم‌های تازه، بلکه از مسیر فرسایش روانی و اجتماعی تحت فشار قرار گیرد و این همان تهدیدی است که شاید کمتر درباره آن سخن گفته می‌شود، اما در عمل تأثیری به‌مراتب عمیق‌تر از تحریم‌های اقتصادی خواهد داشت.

جان زندانیان و مسئولیت زندان‌بان



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

«یک متهم با سابقه متعدد همکاری با منافقین که در ابتدای ورود به زندان علاوه بر اعتیاد به مواد مخدر صنعتی در خوداظهاری اعلام کرده بود سابقه تشنج دارد و داروی اعصاب و روان مصرف می‌کند، در بیمارستان فوت شد.» این عبارت بخشی از بیانیه مرکز اطلاع‌رسانی قوه قضائیه درباره درگذشت سمیه رشیدی در زندان به نقل از خبرگزاری «میزان» است. در روزهای گذشته خبر بدحالی این زندانی در فضای مجازی منتشر شده بود که در نهایت منتهی به فوت شد. در مواردی از این دست همیشه دو روایت منتشر می‌شود: روایت اول، دیدگاه منتقدین حاکمیت که مقامات دستگاه قضایی را متهم به کم‌کاری و حتی سونوئیت در رسیدگی به وضعیت بیمار می‌کنند، بستر انتشار مطالب هم فضای مجازی است که خیلی زود گسترش پیدا می‌کند؛ روایت دوم، اطلاع‌رسانی مقامات دستگاه قضایی در بیانیه‌ای رسمی از طریق خبرگزاری‌های دولتی چون میزان، ایرنا و ایسناست. برای بررسی این موضوع، فرض را بر صحت بیانیه رسمی گذاشته‌ایم.

متأسفانه این اولین بار نیست که فردی از بازداشتگاه یا زندان راهی بیمارستان می‌شود و بعد از چند روز نگرانی از سلامت او، خبر درگذشت‌اش منتشر می‌شود؛ همین شهرپور ماه سال گذشته میر محمد موسوی خبر فوت او در بازداشتگاه یا زندان منتشر شد و در مواردی مدت‌ها التهاب در جامعه برانگیخت. ماجرای زهرا کاظمی منتهی به قطع رابطه دیپلماتیک دولت کانادا با ایران شد و انتشار خبر جان باختن مهسا امینی ماه‌ها کشور را صحنه تنش میان بخشی از جامعه و پلیس کرد که ده‌ها کشته و زخمی بر جای گذاشت. پرسش این است: چرا وقتی حال یک زندانی وخیم می‌شود، با تدابیری ساده همچون اعطای مرخصی یا تبدیل قرار بازداشت به نوعی سبک‌تر که امکان آزادی فرد فراهم شود، به تسریع روند درمان بیماری و جلوگیری از گسترش شایعات کمک نمی‌شود؟

در اصل ۲۲ قانون اساسی، به صراحت بیان گردیده که جان افراد از تعرض مصون است. همین‌طور در اصل ۳۹ می‌خوانیم: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید

شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است». فلسفه تدوین قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» (۱۳۸۳) نیز انتشار اخبار نگران‌کننده از وضعیت محبوسین در زندان و بازداشتگاه‌ها بود. یکی از قوانین جالب و تا حدی فراموش‌شده که امروزه می‌تواند کارایی فراوانی داشته باشد، قانون «مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی» (۱۳۵۴) است. این ماده واحده که در حدود نیم قرن پیش از تصویب دستگاه قانون‌گذاری وقت گذاشته، برای ترک فعل افراد در کمک به انسان‌های دچار مخاطرات جانی، مجازات در نظر گرفته است.

مطابق ماده ۵۷۰ قانون «مجازات اسلامی» (۱۳۹۲): «هر یک از مقامات و مامورین وابسته به نهادهای و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به جس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.» که از جمله این حقوق «حق حیات» مقرر در اصل بیست‌وسوم قانون اساسی است. بماند که در صدر ماده ۶ میثاق حقوق مدنی-سیاسی که دولت ایران در سال ۱۳۵۴ به آن ملحق شده و هنوز هم معتبر است می‌خوانیم: «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است.» مهمترین مقرر در زمینه سلامت زندانیان، «آیین‌نامه اجرائی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی تربیتی» (مصوب اردیبهشت ۱۴۰۰) است. مواد ۱۱۷ تا ۱۶۰ این آیین‌نامه، یعنی فصل دوم از بخش سوم با عنوان «بهداشت و درمان، تغذیه و پوشاک» مرتبط با حقوق بهداشت و سلامت زندانی است: پوشش خدمات جامع و سلامت همگانی کشور (ماده ۱۱۷)، تصویب دستورالعمل بهداشت عمومی (ماده ۱۱۹)، جلوگیری از شیوع بیماری‌های مسری (ماده ۱۲۰)، واکسیناسون زندانیان (ماده ۱۲۳)، دسترسی به آب شرب سالم (ماده ۱۲۸) و پایش دائمی زندانیان نسبت به بیماری (ماده ۱۴۹) از جمله حقوق زندانیان در این آیین‌نامه جدیدالتصویب است.

تقدی هم به بیانیه مرکز اطلاع‌رسانی قوه قضائیه وارد است. دلیل بیان اتهامات و جزئیات پرونده متهم فوت‌شده در رسانه‌ها چیست؟ انتشار اتهام پیش از اثبات، نقض اصل ۳۹ قانون اساسی (هتک حرمت زندانی) و خلاف قانون آیین دادرسی کیفری است. جهت‌گیری داشتن متن بیانیه نهادهای بی‌طرف چون قوه قضائیه، منجر به گرایش افکار عمومی به سمت شایعات خواهد شد.



تکس: Getty Images

بررسی سیاست‌های خاور میانه‌ای آمریکا همزمان با میزبانی از نتانیاهو

صلح غزه بانسخه ترامپ؟

داشت که مورد توجه قرار گرفت. از جمله اظهاراتی که درباره پیچیدگی مسائل در موضوع کرانه باختری و همچنین موضوع ذخایر اورانیوم ایران مطرح کرد.

▼ عذرخواهی نتانیاهو از قطر

ترامپ پس از استقبال از بنیامین نتانیاهو در کاخ سفید در پاسخ به خبرنگاری که پرسید «آیا از دستیابی به صلح در غزه اطمینان دارید؟» در کاخ سفید، گفت: «بله، مطمئنم.» باراک اوبید، خبرنگار آکسیوس نیز در جریان دیدار ترامپ و نتانیاهو از تماس نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با همتای قطری و عذرخواهی از او خبر داد. او نوشت که نتانیاهو در این تماس، بابت نقض حاکمیت قطر در حمله به دوحه عذرخواهی و نسبت به کشته شدن یک نیروی امنیتی قطری ابراز تأسف کرده است. به گفته‌ی منبعی آگاه این تماس در جریان دیدار نتانیاهو با دونالد ترامپ صورت گرفته است. «انتشار این خبر

گروه خبر: نخست‌وزیر اسرائیل و رئیس‌جمهور ایالات متحده، شب گذشته (به وقت تهران) در کاخ سفید با یکدیگر دیدار و گفت‌وگو کردند. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اسرائیل که برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک رفته بود، در واشنگتن دی.سی به دیدار دونالد ترامپ رفت. گفت‌وگو درباره شرایط غزه پس از جنگ و طرح ۲۱ ماده‌ای ترامپ، دستور کار اصلی این ملاقات اعلام شده بود. رهبران رژیم اسرائیل و آمریکا پس از دیدار دوجانبه، در نشست با حضور خبرنگاران شرکت کردند. در حالی که از روزهای گذشته، در کنار اعلام به رسمیت شناختن فلسطین از سوی کشورهای مختلف غربی، طرح ۲۱ ماده‌ای ترامپ برای پایان جنگ در غزه نیز روی میز است رئیس‌جمهور آمریکا روز یکشنبه در گفت‌وگویی با آکسیوس گفته بود که مذاکرات درباره این طرح، در مراحل نهایی قرار دارد. نتانیاهو نیز طی روزهای حضورش در ایالات متحده آمریکا، مصاحبه‌هایی نیز با رسانه‌های این کشور

عضو شورای شهر تهران در گفت‌وگو با هم‌میهن مطرح کرد:

مدیریت زاکانی؛ تکرار الگوی احمدی‌نژاد؟

▼ پای داماد و پدر داماد زاکانی در میان است

این اولین بار نیست که مدیریت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران موضوع تذکر اعضای شورای شهر تهران قرار می‌گیرد. منتقدان زاکانی در شورای شهر تهران بارها درباره این سازمان تذکر دادند، اما انگار گوش شنوایی برای این تذکرات وجود نداشته و ندارد. شهریور سال گذشته بود که موضوع فروش ۳۰ تابلوی ارزشمند به قیمت ناچیز در شورای شهر تهران به جنجالی بزرگ تبدیل شد.

ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران ۲ مهر سال گذشته به هم‌میهن گفت: «بیش از دو ماه قبل از بیرون شهرداری گزارشی به دست ما رسید مبنی بر اینکه ۳۰ تابلو از موزه امام علی (ع) به امانت تحویل مؤسسه‌ای شد. یکی از اعضای هیئت‌مدیره سازمان فرهنگی هنری شهرداری مصاحبه و اعلام کرد که از مدیران موزه این اطلاعات به ما رسیده است. من در اینجا رسماً این موضوع را تکذیب می‌کنم چون این اطلاعات از خارج شهرداری به ما اطلاع‌رسانی شده است. ۱۴ تابلو به فروش رسیده و اعلام کردند که موزه امام علی (ع) بازسازی شود. بودجه امسال شهرداری تهران ۱۵۰ هزار میلیارد تومان است آن وقت شهرداری گیر ۳ میلیارد بود که موزه را بازسازی کند؟ این توجیهات غیرقابل قبول است. چیزی که فروخته شده چطور بر می‌گردد؟ آن‌هم نمایشگاه خارج از کشور و باید دید چطور می‌توان جلوی ادامه این روند را گرفت و بقیه تابلوها برگشته و با عوامل آن برخورد شود.»

این تذکر ناصر امانی در شورای شهر تهران نه‌تنها پای قوه قضائیه را به موضوع تابلوها باز کرد بلکه از دخالت‌های داماد و پدر داماد علیرضا زاکانی در این سازمان نیز پرده برداشت و ناصر امانی در همان روز به هم‌میهن تأکید کرد: «به دلیل گزارش‌های زیادی که در زمینه دخالت‌های مستقیم داماد آقای زاکانی -نه فقط مشاوره- به ما رسیده است؛ به نحوی که او در جلسات شهرداری امر و نهی می‌کند. [...] این موضوعاتی است که ما شنیدیم و می‌گویند که در اقداماتی که در این سازمان فرهنگی و هنری نشسته و در بسیاری از اقداماتی که در این سازمان - مالی و غیرمالی - امر و نهی می‌کند. اما ما نگران این نوع اقدامات بودیم که آن تذکرات را می‌دادیم. وگرنه دلیلی برای این تذکر وجود نداشت. هر اتفاق غیرقانونی که در رأس یک مجموعه صورت گیرد تبعات احتمالی بعدی آن روی دوش سازمان می‌افتد. این اقدام ممکن است یکی از تبعات آن تذکری باشد که ما دلسوزانه -در مردادماه سال گذشته- دادیم. اما به آن توجه نشد و در حال حاضر یکی از نمونه‌ها و تبعات آن را می‌بینیم.»



پریسا هاشمی

گزارشگر شهری هم‌میهن

مهدی افراریان، عضو شورای شهر تهران روز یکشنبه (۶ مهر) بی‌پرده‌تر از گذشته تذکر خود را در صحن علنی شورای شهر تهران مطرح کرده و «سبک مدیریتی علیرضا زاکانی، شهردار تهران در سازمان‌های فرهنگی هنری شهرداری» را براساس روش دیکتاتوری دانسته و گفت: «قبلاً هم گفتم جلسات هیئت امنای این سازمان برگزار نمی‌شود، صورت جلسات دست‌گردان می‌شود، اعضای هیئت امنا از انتصابات خبر ندارند، آقای زاکانی خودش می‌آید، مسئول مربوطه را انتخاب می‌کند، صورت‌جلسه را می‌فرستد برای امضا. این سبک دیکتاتوری در اداره یک مجموعه به نظر من سبک درستی نیست. چند بار تا الان تذکر دادم که این سازمان فرهنگی شهر تهران را تعیین تکلیف بکنید. اگر چهارشنبه جلسه هیئت امنا برگزار شود بعد از ۴ سال اولین جلسه در این دوره است. شورای شهر در وقت اضافی به سر می‌برد، چهار سال از این دوره گذشته و یک جلسه سازمان فرهنگی و هنری انجام نشده است. بعد هم در دقیقه ۹۰ رئیس سازمان فرهنگی و هنری را آقای زاکانی عزل کرد و فرد دیگری را جایگزین نمود. حالا خوب است بعد از چهار سال بالاخره یادشان افتاده یک جلسه بگذارند.» او افزود: «من به شما گفتم «این سبک اداره سازمان فرهنگی و هنری سبک قابل قبولی نیست». هیئت امنا مگر پول این سازمان را می‌دهد؟ کدامیک از اعضای هیئت امنا پول می‌دهد؟ تمام بودجه سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران به عنوان یک جزیره مستقل از جیب شهروندان تهرانی تأمین می‌شود، نه آقای زاکانی از جیب خودش می‌دهد، نه بنده، نه دیگری، باید فکری به حال این سازمان در این روزهای باقی‌مانده کنیم. خطر بعدی را هم آن‌شاءالله در زمان خودش توضیح می‌دهم که اگر ما برای این سازمان فکری نکنیم، آن‌وقت چه خطراتی و چه تبعاتی برای این شهر تهران این سبک اداره و مدیریتی که در این دوره شاهد و ناظر هستیم به وجود خواهد آورد.»

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران در ادامه تذکر افراریان اعلام کرد که قرار است چهارشنبه این هفته اولین جلسه هیئت امنا پس از بیش از ۴ سال برگزار شود.